یادداشت روز

جنگ در دو جبهه ارضی و ارزی

در هفته‌های اخیر دو اتفاق مهم و کلیدی در داخل و خارج ایران رخ داد که در یک نگاه کلان و اصولی در اصل یک اتفاق است اما در دو سیرت مختلف خود را به ما نشان داده است. با اینکه این دو اتفاق یگانه است، اما رویکرد اتخاذ شده درباره آن، دوگانه است و طبیعتا در هر میدان، نتیجه مختلفی حاصل شده است.

با هم این رخداد واحد و ذو وجه را (فارغ از تقدم و تاخر زمانی) بررسی می‌کنیم:

وجه نخست رخداد، اتفاقات تازه و کلیدی در جنگ سوریه بود. نبرد نیابتی‌ها با دولت قانونی سوریه درحالی وارد هشتمین سال خود شده که آمریکایی‌ها با هزینه‌کرد میلیاردها دلار، به اقرار صریح ترامپ هیچ نتیجه‌ای در آن میدان به دست نیاورده و روز به روز رسواتر و مفتضح‌تر شده‌اند. در سوی دیگر همان جبهه، ایران قرار دارد که از روز اول و در زمانی که همه، کار را تمام شده می‌دانستند در آن جبهه حضور داشت. ایران نه تنها به سرنوشت شوم آمریکا و نوکرانش در منطقه مبتلا نشد، بلکه مقتدرتر از همیشه، تعیین‌کننده مناسبات منطقه‌ای است و توانسته حرف خود را به کرسی بنشاند. اکنون در محور مقاومت عراق، یمن، سوریه و لبنان سازشان را با آمریکا و نوکرانش تنظیم نمی‌کنند. اگر کسی فکر می‌کند که این حرف‌ها ادعا و خوش‌خیالی است، کافی است به این فکر کند که چند روز قبل، درست در زمانی که جهان منتظر حمله گسترده آمریکا و متحدانش به سوریه بود، چه اتفاقی افتاد که حمله به یک عملیات مسخره و به تعبیر واشنگتن پست «عملیات آبروریز» تبدیل شد!؟ چه شد که رئیس سابق موساد در واکنش به این عملیات مضحک گفت: «حمله آمریکا به سوریه نمایشی بود و هیچ دستاورد استراتژیکی نداشت»؟ کافی است به این فکر کنید که کمتر از یک روز قبل از آن حمله، در این سوی محور مقاومت، «انصارالله یمن» با موشک‌های خود، اهدافی در ریاض و برخی مناطق مهم عربستان را هدف قرار داد. برخی از صاحبنظران این حمله را حاوی این پیام ارزیابی می‌کنند که اگر آمریکا و متحدانش جنگی را در سوریه آغاز کنند، قطعا آن جنگ نامتقارن و غیر قابل پیش‌بینی خواهد بود به نحوی که لزوما پاسخ آن در سوریه داده نخواهد شد و ممکن است شیوخ خبیث کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، شب را زیر باران موشکی انصارالله بگذرانند و آفتاب روز بعد را نبینند!

عملیات آمریکا بعد از آنهمه رجزخوانی و با آن همه لاف گزاف، با سه مجروح به پایان رسید! و حال آن‌که در آستانه حمله سه روز قبل آمریکا به سوریه، وزیر مشاور یکی از شیخک‌های خلیج‌فارس، عکس خندان دکتر ظریف را توئیت کرد و نوشت: «بخند! دیگر پس از این باید همیشه‌گریه کنی»! او سگی بود که با دیدن اربابش به وجد آمده بود و پارس می‌کرد! یقین داشت که ترامپ کار سوریه که هیچ، کار ما را هم یکسره می‌کند! اما ساعتی بعد که انصارالله و محور مقاومت میدان بازی را عوض کردند، او لال شد و به سوراخش خزید! هم‌آوایی در محور مقاومت، عزت دیپلماتیک ایران را هم به نحو چشمگیری ارتقا داده است.

اما این پیروزی از کجا بدست آمد و چه شد که ثابت کردیم «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»!؟

ماجرا به سالها قبل بر می‌گردد. به آن روزی که تهرانی‌مقدم با شیرینی خاطره‌اش را از دیدار با رهبر انقلاب تعریف می‌کرد. از عهدی که همان روز بسته بود تا ایران را در موشکی خودکفا و مستقل کند. به آن روزی که قاسم سلیمانی مثل روزهای ۸ سال دفاع مقدس خودمان لباس رزم به تن کرد و منطقه را زیر نگاه تیزبینش مدیریت کرد، از عراق به سوریه رفت، گوشه چشمی به فلان منطقه داشت و هرجا رفت، دشمن مثل گله‌ای که شیر به آن حمله کرده، از پیش رویش می‌گریخت. ماجرا از روزی شروع شد که پیرمردهایی مثل سردار همدانی و تقوی و جوانان دهه هفتادی مثل حججی، بیضایی، زبرجد، کامران و... جانشان را پای آرمان الهی یک نفر دادند. بله! همه اینان که نامشان را خواندید و همه آنها که خودتان نامشان را می‌دانید، جان و عمر و سلامت و زن و بچه و همه چیزشان را پیشکش فرمانی کردند که سال‌ها قبل (حتی قبل از تولد خیلی‌هایشان) امام راحل صادر کرد و سالها بعد رهبر عزیز انقلاب با جدیت تکرار و دنبال کرد. فرمان لزوم حمایت از مسلمانان و مستضعفان و مقابله با زیاده‌خواهی آمریکای جنایتکار. آنها این فرمان را خوب شنیدند و مردانه برایش جانبازی کردند و اگر امروز نیستند تا شکوه این پیروزی را ببینند، به یقین در ملأ اعلی ثمره زحماتشان را می‌بینند و به‌خاطرش متنعم می‌شوند. این ثمره اطاعت از فرمان ولی خدا بود.

وجه دوم رخداد، تلاطم ارزی در هفته‌های اخیر بود. رخداد تلخی که ارزش پول ملی را تا ۶۰ درصد کاهش داد و موجب تشویش و نگرانی مردم و بخصوص قشر ضعیف جامعه شد. این یک عملیات مهم آمریکایی‌ها بود که با بی‌تدبیری دولت، اثری اینگونه گذاشت. باز ممکن است عده‌ای (حتی به‌عنوان مخالف دولت) بگویند ماجرای اخیر ارزی، ربطی به آمریکا ندارد! اما باید گفت کمترین تردیدی در این موضوع، نشان از نشناختن جبهه وسیع نبرد و بی‌خبری از اظهارات آشکار مقامات آمریکایی است. همین چند روز قبل بود که نشریه «بیزینس اینسایدر» در مقاله‌ای با عنوان: «آمریکا به‌دنبال جنگ اقتصادی با ایران» بااشاره به افزایش قیمت دلار و ناآرامی‌های اخیر بازار ارز ایران، ضمن بیان نقل قول‌هایی از وزیر خزانه‌داری و برخی مقامات ارشد آمریکایی مبنی بر تشدید این عملیات؛ به تشریح رویکرد آمریکا برای داغ کردن جنگ اقتصادی علیه ایران پرداخت. اگر فکر می‌کنید نباید به حرف یک نشریه اهمیت داد(!) ببینید جیمز ریکارد، «مشاور ارشد تهدیدات مالی و جنگ نامتقارن در CIA» درسال ۲۰۱۲ در این باره چه می‌گوید: «به‌عنوان یک تحلیلگر کلان جهانی، اغلب از من پرسیده می‌شود که اگر جنگ با ایران شروع شود چه اتفاقی می‌افتد؟ پاسخ من این است که جنگ آغاز شده است اما در این جنگ هنوز تیری شلیک نشده! ایالات‌متحده و اسرائیل درگیر جنگی نامحدود یا نامتقارن با ایران هستند. این جنگ شامل خرابکاری، ترور، عملیات ویژه، عملیات روانی، حمله به زیرساخت‌های حیاتی، جنگ سایبری و همچنین شامل جدیدترین شیوه جنگ یعنی «جنگ مالی» است... بیش از ۳۰ سال است که ایالات‌متحده تحریم‌های مالی و اقتصادی علیه ایران را اعمال کرده است؛ این تحریم‌ها چیز جدیدی نیستند؛ اما چند هفته پیش رئیس‌جمهور اوباما با اعمال تحریم بانک مرکزی ایران راه تأمین اکسیژن ایران را مسدود کرد. به بانک‌های بین‌المللی گفته شد اگر آنها به کسب‌وکار با بانک مرکزی ایران بپردازند، آنها هم از انجام کسب‌وکار در سیستم پرداخت جهانی دلار که توسط ایالات‌متحده کنترل می‌شود محروم خواهند شد. البته که این بانک‌ها از این دستور پیروی کردند... این یک جنگ واقعی است که اتفاق افتاده است...»

می‌بینید که ماجرا یک جنگ تمام‌عیار است و جای کمترین تردیدی باقی نمی‌ماند. ما در این جبهه نتوانستیم واکنش مناسب و بهنگامی داشته باشیم و به اصطلاح نظامی «تک دشمن» موثر بود. (اقدام اخیر دولت در کنترل و رفع التهاب بازار، هرچند دیرهنگام بود اما ستودنی و قابل تقدیر است.)

چند سالی است رهبر انقلاب بر «اقتصاد مقاومتی» تاکید می‌کنند، بارها بر ضرورت قطع وابستگی به نفت تاکید کرده‌اند. برای هریک از این فرامین، راهکارهای روشن و عملیاتی هم ارائه کردند. ماجرای فقیر شدن یک شبه کشورهای آسیای شرقی را شرح دادند و به‌عنوان یک کلیدواژه بسیار مهم، به ضرورت «شکستن ارزش و آقایی دلار» تاکید کردند و فرمودند: «اگر مسئولان و مردم بتوانند اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی محقق و کشور را از جادوی مالی و پولی دشمن خلاص کنند و ارزش و آقایی دلار را در زندگی اقتصادی بشکنند، کشورهای دیگر را نیز نجات داده‌اند و برای آنها الگو خواهند شد.» (۹۵/۶/۲۸)

شاید برخی بگویند نیل به این اهداف بلند عمر نوح می‌خواهد و اصلا نشدنی است! اما خوب است بدانید همین حالا که مشغول خواندن این متن هستید حداقل ۵۴ کشور جهان با انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه، خودشان را از شرّ دلار راحت کرده‌اند و با پول‌های خودشان معامله می‌کنند! ماجرا وقتی جالب‌تر می‌شود که بدانید تقریبا هیچیک از آن کشورها تحریم هم نیستند و تحت هیچ تهدید تجاری و اقتصادی نیز قرار ندارند! عجیب نیست که آنها این مسیر مهم را با موفقیت طی کرده‌اند و ما که در کوران حوادث و تهدیدهای دائمی هستیم، هنوز اسیر دلاریم!؟ چینی‌ها که از پیشتازان این نوع قراردادها هستند، صراحتا اعلام کردند که از بیم آنچه آمریکا با ایران در موضوع دلار کرد، به سرعت با طرف‌های تجاریشان پیمان منعقد می‌کنند اما همان زمان، ما دربدر سوئیفت بودیم و دنبال FATF! نتیجه هم معلوم است و نیازی به شرح و بسط ندارد!

آنچه خواندید روایت یک جنگ گسترده در دو جبهه ارضی و ارزی بود.

در جبهه ارضی، فرماندهان ما حرف گوش کردند، کمر بستند و کار آنگونه پیش رفت که داعش نه تنها نتوانست به ایران اسلامی چپ نگاه کند، بلکه آنها را در عراق و سوریه هم سرکوب و منکوب کردیم و به اربابان عربستانی و آمریکایی‌شان هم سیلی فراموش ناشدنی زدیم.

اما در جبهه ارزی، آن نصایح عملیاتی نشد. نه در این دولت و نه در دولت قبل. مقامات ما همچنان فکر می‌کنند که شکستن آقایی دلار یعنی به جای دلار، یورو مصرف کنیم! حتی آقای رئیس‌جمهور، جلب سرمایه خارجی را مقدمه و نماد اقتصاد مقاومتی می‌داند و عده‌ای دیگر از تکنوکرات‌ها، خرید هواپیما و خودرو فرانسوی را به معنی مشارکت فعال در اقتصاد جهانی می‌دانند!

نتیجه هر دو میدان پیش روی ماست. ما در یک نبرد هستیم، اما دو راهبرد در پیش گرفته‌ایم.

حسین شمسیان

گزارش خبری تحلیلی کیهان از راه‌های مقابله با جنگ ارزی دشمن

پیمان‌های مشترک پولی باطل‌السحر وابستگی به دلار

از چند ماه قبل که ماجرای افزایش پلکانی قیمت دلار آغاز شد تا همین چند روز پیش که به رکورد بی‌سابقه و تاریخی ۶ هزار و ۳۰۰ تومان رسید، روز به روز ثروت مردم کمتر شد و ارزش پول ملی افت کرد. اکنون دولت با بخشنامه دلار ۴۲۰۰ تومانی کوشیده آرامش را به بازار برگرداند، اما همه می‌دانند که این روش، راه‌حلی مقطعی و مسکن درد مزمن وابستگی به دلار است و با هر تکانه بین‌المللی و بازی و ترفند دشمن، باید منتظر تکرار فاجعه‌بار بی‌ارزشی پول ملی باشیم.

با اطمینان می‌توان گفت که لااقل بخشی از مسئولان دولتی، اعتقاد به جنگ ارزی که آمریکایی‌ها سالهاست علیه ما طراحی کرده‌اند ندارند و چون اعتقاد ندارند، طبیعتا آرایش جنگی نمی‌گیرند و روزگار را به خوشی و آرامی می‌گذرانند! اما دو سال قبل بود که رهبر عزیز انقلاب گفتند: «اگر مسئولان و مردم بتوانند اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی محقق و کشور را از جادوی مالی و پولی دشمن خلاص کنند و ارزش و آقایی دلار را در زندگی اقتصادی بشکنند، کشورهای دیگر را نیز نجات داده‌اند و برای آنها الگو خواهند شد.»

اکنون ببینیم آیا مسئولان برای شکستن ارزش و آقایی دلار کاری کرده‌اند؟! اینکه مسئولی بگوید ما دلار را از مبادلاتمان حذف و یورو را جایگزین آن می‌کنیم، راه‌حلی عاقلانه و به معنی عمل به فرمان رهبری است یا یک نمایش سیاسی و بی‌اثر!؟

در شرایط دشمنی آشکار آمریکا و اروپا با ما و در شرایط تشدید تحریم‌ها، بهترین راه برای نیل به این هدف، پیگیری و انعقاد فوری «پیمان‌های پولی مشترک» است. پیمان‌های دو و چندجانبه‌ای که سال‌هاست در جهان جاری و ساری است. در این باره بیشتر بخوانید:

دلار، پول واحد بین‌المللی!

در ابتدا باید بدانیم که چرا دلار پول واحد بین‌المللی شد و چگونه دست و پای همه کشورهای جهان در این تار گرفتار شدند!؟ پس از جنگ‌جهانی دوم، با هدف بازسازی اقتصادی، تعیین سازوکار مالی جهانی و مهم‌تر از همه، کاهش احتمال بروز مجدد جنگ کنفرانسی با حضور ۷۳۰ نماینده از ۴۴ کشور جهان به نام «برتن وودز» تشکیل شد. در این کنفرانس، با اصرار آمریکا (که قدرت پیروز جنگ بود و سرمایه‌ای هنگفت در اختیار داشت) دلار به عنوان پول معتبر تجارت بین کشورها پذیرفته شد. آن زمان آمریکایی‌ها متعهد شدند طلا را به عنوان پشتوانه‌ای برای انتشار دلار قرار داده و هر اونس طلا معادل ۳۵ دلار باشد، اما در سال ۱۹۷۱، این تعهد خود را ملغی کردند!

از آن زمان تجار کشورها برای مبادلات اقتصادی نیاز به دلار پیدا کردند. تقاضای مبادلاتی دلار باعث شد آمریکا بدون هیچ فعالیت مفید اقتصادی پول منتشر کرده و کالاهای مورد نیاز خود را وارد کند. اما این تنها یک منفعت بود! منفعت مهم دیگری که اغلب از نظرها پنهان می‌ماند این است که تقاضای بین‌المللی دلار به آمریکا این امکان را داد که بتواند گردش مالی بین کشورها را به صورت جزئی ببیند و متناسب با آن برنامه‌ریزی کند. این دو ویژگی تدریجا آمریکا را به بازیگر مسلط در نظام پرداخت بین‌المللی تبدیل کرد به نحوی که اکنون آمریکا با اسلحه دلار، تبدیل به بانک مرکزی جهان شده و روزانه میلیاردها تراکنش به ارزش میلیاردها دلار، ابزار مهم تاثیرگذاری آن کشور بر مناسبات جهانی شده است.

جهان به دنبال نسخه جایگزین

آنچه به اختصار شرح داده شد باعث شد تا جهانیان به‌تدریج به فکر جایگزین باشند. یک راه جایگزین، ایجاد ناحیه مشترک پولی بود که نمونه بارز آن اتحادیه اروپا است که در آن، کشورها ارزهای خود را کنار گذاشته و از یک پول واحد جدید استفاده کردند. این روش چند عامل مهم دارد از جمله همسایگی و هم‌سطحی اقتصادی که عملا این آخری، راه را برای تکرار تجربه اتحادیه اروپا بسیار سخت و تا حدی غیرممکن کرد.

بعد از آن تجربه، از حدود ۲۰ سال قبل، ایده پیمان پولی دو (یا چند) جانبه شکل گرفت. در این روش دو کشور به جای یک پول واحد، از پول‌های یکدیگر برای تسویه تجاری استفاده می‌کنند

واقعا دلار حذف می‌شود!؟

اگر بین دو کشور، پیمان پولی مشترکی منعقد شود، تبادل ارزهای واسط مانند دلار در تجارت فی‌مابین کاهش یافته و از پول خودشان استفاده می‌کنند. چگونه؟ بانک مرکزی کشورهای طرف قرارداد، ارزش پول کشور اول به دوم را محاسبه می‌کنند. سپس کشور اول، یک حساب بانکی در بانک مرکزی کشور ب افتتاح می‌کند. طبیعتا پول موجود در این حساب، همان پول کشور ب است اما صاحب حساب یعنی کشور الف مالک آن پول است. کشور ب هم متقابلا حسابی به شرح پیش‌گفته در کشور الف باز می‌کند. بعد از اینکه پشتوانه کافی در بانک مرکزی دو کشور به‌عنوان سپرده ایجاد شد، بانک تجاری مشترک دو کشور آغاز به کار می‌کند. از اینجا به بعد، تجار کشور الف، با پرداخت پول کشور خودشان به بانک مشترک، از کشور ب خرید می‌کنند و بازرگانان کشور ب هم با پرداخت پول خودشان به بانک عامل، از کشور الف خرید خواهند کرد. این مبلغ کجا تهاتر خواهد شد؟ این مبلغ از حساب کشور ب نزد بانک مرکزی کشور الف کسر و به‌حساب او نزد کشور ب اضافه خواهد شد. روشن است که پس از این عملیات، بانک مرکزی کشور الف، پول کالا را به بازرگان هم‌وطنش خواهد داد و او هرگز رنگ پول کشور ب را هم نمی‌بیند. یعنی تهاتر و تبدیل ارزها به‌صورت کامل توسط بانک‌های مرکزی انجام خواهد شد. پس از دوره‌هایی معین، دو کشور به موعد تسویه‌حساب می‌رسند. در این مرحله بانک مرکزی دو کشور الف و ب با رد و بدل کردن دارایی‌های ارزشمند و مورد توافق طرفین مثل طلا و... حساب یک دوره را صفر کرده و به دوره بعد می‌روند. می‌بینید که در این روش، هیچ نیازی به هیچ ارز واسطی و از جمله دلار نیست.

این شیوه، نظر بسیاری از کشورها را جلب کرد و تاکنون حدود ۵۴ پیمان پولی بین کشورهای جهان امضا شده است. دو بحران مالی ۱۹۹۷ و ۲۰۰۷ در شرق آسیا، نقش بسیار مهمی در بیداری کشورها و اقبال به این پیمان‌ها داشته است. اوضاع پیمان‌های پولی بعد از فاجعه ۲۰۰۷ چنان در شرق آسیا بالا گرفته که به جرات می‌توان گفت در جنوب شرقی آسیا ارز غالب وجود ندارد و از همه ارزهای منطقه در تجارت استفاده می‌شود.

هم‌اکنون چین با امضای ۳۲ پیمان با کشورهای مختلف با کشورهایی مثل کره‌جنوبی تا کانادا و روسیه و برزیل و... یکه‌تاز عرصه حذف دلار است. بعد از چین، ژاپن با ۹ پیمان و کره‌جنوبی با شش پیمان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کشورهای اروپایی مثل انگلستان و سوئیس و کشورهای اقیانوسیه در مجموع ۱۱ پیمان امضا کرده‌اند. مالزی و پاکستان چهار پیمان و کشورهایی چون هند، روسیه، ترکیه، امارات و... هم هرکدام با حدود سه پیمان نقشی در حذف دلار از مبادلات بین‌المللی ایفا کرده‌اند.

بقیه در صفحه ۱۰

اسپوتنیک گزارش داد

اپوزیسیون تقلبی شغل ایرانی‌های بیکار در اروپا!

خبرگزاری اسپوتنیک نوشت: با توجه به پول‌هایی که برخی کشورهای عربی برای ایجاد اپوزیسیون بر علیه ایران هزینه می‌کنند جدیدا هر ایرانی درمانده‌ای به نوعی خود را به‌عنوان اپوزیسیون معرفی می‌کند و تلاش می‌کند به شکلی از این سفره چرب و چیلی نانی به او برسد.

این رسانه روسی در گزارشی به نقل از یک دیپلمات اروپایی در اروپا تصریح کرد که جدیدا در اروپا کسب و کار جدیدی به عنوان اپوزیسیون ایرانی با توجه به هزینه‌کرد برخی کشورهای عربی علیه ایران رواج یافته.

به گفته این دیپلمات اروپایی تعداد همایش‌ها و کنفرانس‌ها و سمینارهایی که اینها با پول کشورهای عربی بر علیه ایران در اروپا برگزار می‌کنند آنقدر زیاد است که روی دست کنسرت خوانندگان و نمایشگاه‌های هنرمندان زده‌اند با این تفاوت که برای حضور در کنسرت و یا نمایشگاه شما باید پول دهید اما برای حضور در برخی از این همایش‌ها و کنفرانس‌ها و سمینارها به شما پول و یا شام و نهار هم می‌دهند.

اسپوتنیک همچنین به نقل از این دیپلمات اروپایی نوشت: «بسیاری از اروپایی‌ها متوجه نیستند که اینان چه قدر قدرت و حامی در ایران دارند و تصور می‌کنند که نظام جمهوری اسلامی دشمنان زیادی دارد و حتی بسیاری از دیپلمات‌های اروپایی هم با چنین ذهنیتی به ایران می‌آیند و وقتی چند صباحی را در ایران می‌گذرانند متوجه می‌شوند که این اپوزیسیون‌ها جعلی هستند و شرایط درون ایران با فضاسازی خارج ایران بسیار متفاوت است. بر اساس اظهارات این دیپلمات اگر یک سوم این اپوزیسیون‌ها واقعی بودند تا الآن نظام در ایران حداقل ده بار سرنگون شده بود. این خبرگزاری روسی در ادامه تصریح کرد: «مدتها است که در ایران و در بسیاری از کشورهای دیگر مد شده هر کسی توانمندی گذران زندگی در مملکت خود را ندارد بار سفر می‌بندد و اقدام به مهاجرت می‌نماید و برای اینکه بتواند از برخی امتیازهای دیگر کشورها استفاده کند خود را پناهنده سیاسی و یا اجتماعی معرفی می‌کند تا مدتی به حساب کشور میزبان بخورد و بخوابد. برخی هم یاد گرفته‌اند برای اینکه بتوانند ویزا و پناهندگی از کشورهای دیگر دریافت کنند در میان برخی اعتراضات شرکت کنند و با ژست‌های مختلف از خود عکس سلفی بگیرند و ادعا کنند اصلا لیدر همه این اعتراضات بودند.»

در این گزارش همچنین آمده است: «حامیان این اپوزیسیون‌های تقلبی هم متوجه نیستند که این افراد چرب‌زبان همان حقه‌بازان وکلاهبردارانی هستند که به دلایلی از ایران فرار کرده‌اند و به هیچ وجه تمایل ندارند به ایران برگردند چه برسد که بخواهند نظام را در ایران سرنگون کنند، برخی مقداری حرفه‌ای‌تر هستند و با دریافت پول‌های کلان از کشورهای عربی و یا غربی اقدام به راه‌اندازی رسانه می‌کنند و مدعی‌اند به این شکل در حال مبارزه می‌باشند. برخی دیگر ادعا می‌کنند با نمایش فیلم‌های خارجی در حال تاثیر بر فرهنگ ایران و مردم ایران هستند و برخی دیگر با انتشار اخبار منفی تلاش دارند بر شرایط سیاسی و یا اجتماعی ایران تاثیر بگذارند. اما در بسیاری از موارد حتی همین گروه‌ها آنقدر فعالیت‌های متضاد با یکدیگر دارند که همدیگر را خنثی می‌کنند.»

این خبرگزاری روسی در پایان گزارش با اشاره به اینکه امروزه نمی‌توان از اپوزیسیونی نام برد که به‌عنوان خطر برای نظام جمهوری اسلامی ایران به حساب آید، تصریح کرد: «به رغم همه اختلاف‌نظرهای عقیدتی و سیاسی و اجتماعی که ممکن است در ایران وجود داشته باشد مردم ایران یک تفاوت عمده با همسایگان خود دارند و آن این است که آنها میهن‌پرست می‌باشند و هیچ وقت دست در دست کسی که با دشمن روبوسی کرده نمی‌گذارند.»

خبر ویژه

همراهی اروپا با آمریکا برای تغییر برجام و افزایش تحریم‌ها

خبرگزاری آسوشیتدپرس می‌گوید آمریکا و اروپا برای اصلاح (تغییر) موردی برجام توافق کرده‌اند.

به گزارش دویچه‌وله دیپلمات‌های آمریکایی از پیشرفت موردی مذاکرات «اصلاح» برجام با دیپلمات‌های اروپایی خبر می‌دهند. سران آلمان و فرانسه و بریتانیا برای متقاعدکردن رئیس‌جمهور آمریکا به حفظ برجام راهی واشنگتن خواهند شد.

خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از دو دیپلمات آمریکایی نوشته مذاکرات نمایندگان بریتانیا، فرانسه و آلمان برای «اصلاح» برجام پیشرفت‌هایی داشته است. دیپلمات‌های اروپایی از هفته گذشته مشغول مذاکره با وزارت خارجه آمریکا هستند تا راهی برای برطرف کردن «ایرادهای برجام»(!) پیدا کنند. این ایرادها از سوی دونالد ترامپ مطرح شده است.

رئیس‌جمهور آمریکا به طور مشخص ۴ خواست دارد: محدود کردن برنامه موشکی ایران و مقابله با رفتار بی‌ثبات کننده ایران در منطقه که ارتباطی با برجام ندارند و دسترسی کامل بازرسان بین‌المللی به تمامی سایت‌های هسته‌ای و نظامی ایران و همچنین تغییربندی در برجام به نام «مقررات غروب خورشید» که به ایران اجازه می‌دهد پس از چند سال غنی‌سازی اورانیوم را بدون محدودیت از سر گیرد. دیپلمات‌های اروپایی و آمریکایی هفته گذشته در چهارمین دیدار خود برای گفت‌وگو در مورد این «خواست‌ها» به پیشرفت‌هایی دست پیدا کرده‌اند. دیپلمات‌های آمریکایی و دو مشاور خارج از مجموعه کارمندان دولت آمریکا به آسوشیتدپرس گفته‌اند که طرف‌های مذاکره‌کننده در مورد برنامه موشکی و بازرسی از تأسیسات ایران به توافق «نزدیک» شده‌اند. اما هنوز در مورد تغییر سقف زمانی محدودیت غنی‌سازی اورانیوم در ایران اختلاف نظر وجود دارد.

مقابله با «رفتار بی‌ثبات کننده ایران» که به طور مشخص از نظر آمریکا شامل حمایت از رئیس‌جمهور سوریه، حمایت از شیعیان حزب‌الله لبنان و شیعیان حوثی یمن است در جلسه جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته اما به گفته دیپلمات‌های آمریکایی به نتیجه نرسیده است.

این گزارش می‌افزاید: امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان هفته آینده در دو سفر جداگانه برای دیدار با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا راهی واشنگتن خواهند شد. زمان سفر مکرون چهارم اردیبهشت و زمان سفر مرکل هفتم اردیبهشت اعلام شده است.

گفته می‌شود که ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس نیز به زودی به واشنگتن سفر خواهد داشت.

در همین حال سایت اشپیگل گزارش داد اتحادیه اروپا در حال مشورت برای گسترش فهرست تحریم‌ها علیه ایران به بهانه مداخله ایران است.

«اشپیگل» با استناد به اطلاعات به‌دست آمده از منابع آگاه خبر داده، وزرای خارجه اتحادیه اروپا در نشست روز دوشنبه (۱۶ آوریل) در لوگزامبورگ در نظر دارند به پیشنهاد کمیته سیاسی و امنیتی شماری از اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی را به فهرست تحریم‌های ایران اضافه کنند.

اشپیگل در گزارش خود نوشته اتحادیه اروپا با گنجاندن اسامی جدید به فهرست تحریم‌های ایران تلاش دارد تا از این طریق قدمی برای نجات برجام بردارد.(!)

اسرائیل؛ می‌ترسیم آمریکا ما را با ایران تنها بگذارد

یک روزنامه صهیونیستی از وحشت سران این رژیم درباره تنها ماندن مقابل ایران خبر داد.

تایمز آو اسرائیل نوشت: اسرائیل می‌ترسد که آمریکا کار خود را درسوریه تمام شده ببیند و اسرائیل را با ایران تنها بگذارد.

این روزنامه صهیونیستی افزود: بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل قویا از حملات هوایی آمریکا به سوریه حمایت کرده است، مقامات امنیتی اسرائیل تصریح کردند که اسرائیل می‌ترسد که دولت ترامپ کار خود را در سوریه تمام شده ببیند، نیروهای خود را از سوریه خارج کند و اسرائیل را با گسترش نفوذ نظامی ایران در سوریه تنها بگذارد.

به نوشته تایمز آو اسرائیل، مقامات ارتش این رژیم همچنین نگران این هستند که شاید روسیه سیستم‌های پیشرفته پدافند موشکی را دراختیار بشار اسد رئیس‌جمهوری سوریه قرار دهد. این موضوع می‌تواند برتری هوایی این رژیم در آسمان سوریه و لبنان را بر هم بزند.

یک منبع امنیتی اسرائیل گفت: این حمله شاید موجب شود آمریکایی‌ها اعلام کنند «چیزی که نیاز بود انجام دادیم» و از سوریه عقب‌نشینی کنند. براساس این سناریو، اسرائیل تنها می‌ماند و با تهدید ایران که در حال ساخت پایگاه در مرز شمالی است، مواجه می‌شود.

فایننشال تایمز: خودمان را گول نزنیم ترامپ مثل اوباما سردرگم است

یک نشریه معتبر اروپایی تصریح کرد حملات موشکی به سوریه، مسیر جنگ را تغییر نخواهد داد.

فایننشال تایمز نوشت: این حمله کار چندانی برای تغییر مسیر جنگ داخلی هفت ساله سوریه انجام نداد.

این حمله حتی نتوانست بشار اسد را که ترامپ او را متهم کرد، از جایش تکان بدهد.

«زلمای خلیل‌زاد» سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل و عراق در دولت «جورج بوش» در این خصوص می‌گوید: «قرار نبوده که این حملات موازنه قدرت را در بعد میدانی جنگ سوریه تغییر دهد.»

یکی از مقامات دولت ترامپ هم گفت که پاسخ آمریکا به حمله شیمیایی در سوریه؛ یک هدف روشن داشت و آن؛ «برقراری مجدد نیروی بازدارندگی» بود. اما موضوع این است که یک حمله واحد به تنهایی هرگز نمی‌تواند هدف مشخص شده را برآورده سازد. ترامپ پارسال هم از نیروی نظامی برای تحقق یک هدف مشخص در سوریه استفاده کرده بود اما موفق نبود.

آمریکا پارسال هم تعداد ۵۹ فروند موشک «توماهاوک» Tomahawk به سوریه شلیک کرد.

در این زمینه «مارا کارلین» از مقامات سابق برجسته پنتاگون می‌گوید: «خودمان را گول نزنیم. اسد در زرادخانه خود هیچ کم و کسری از حیث ابزار و ادوات ندارد. او مطلقا دست از استراتژی‌اش نخواهد کشید. در این زمینه «فیصل ایتانی» از اعضای ارشد «شورای آتلانتیک» در واشنگتن می‌گوید: مسیر جنگ هرگز تغییر نکرده است.

خوب حمله انجام شد. حالا سؤال این است: این عملیات مبنای کدام اقدام بعدی دولت ترامپ خواهد بود؟ کاخ سفید اهدافی متناقض در سوریه دارد.

ترامپ اعلام کرده است که تصمیم دارد ۲ هزار سرباز آمریکایی را که در شمال شرق سوریه حاضرند و مشغول جنگیدن با «داعش» هستند را به محض تمام شدن مأموریتشان به خانه بازگرداند. منتها یک هدف مهم ترامپ در سوریه؛ مقابله کردن با قدرت نفوذ ایران در منطقه است.

اصلاً سربازان آمریکایی فقط به قصد جنگیدن با داعش به سوریه نیامده‌اند؛ آنها دارند کمک می‌کنند اجازه ندهند ایران به کمک شبه‌نظامیان تحت امرش رد پای نفوذ خود در سوریه را محکم و در سطح منطقه گسترده کند.

تهران برای گسترش نفوذ خود در سطح خاورمیانه؛ یک «پل زمینی» از تهران تا مدیترانه کشیده است که از کشورهای عراق و لبنان و سوریه می‌گذرد.

«مایکل او هانلون» تحلیلگر مسائل دفاعی در «مؤسسه بروکینگز» در این زمینه عنوان می‌کند: «ترامپ هم دارد اشتباه اوباما را تکرار می‌کند. دولت ترامپ باید سعی کند بر مبنای حمله‌ای که اخیراً به سوریه انجام داد؛ قواعد یک استراتژی بزرگتر را برای سوریه بریزد. این استراتژی باید مبتنی بر یک دوره انتقال مدیریت شده باشد. این دوره انتقال باید اعلام کند که برداشتن اسد از قدرت؛ واقع‌بینانه نیست.» «مایکل سینگ» مدیر عامل «مؤسسه واشنگتن» و یکی از مقامات سابق کاخ سفید در دولت «جورج بوش» هم اعلام کرد: حمله هوایی به سوریه اگر مقدمه یک استراتژی جامع واشنگتن برای سوریه نشود؛ در انتهای کار جز یک پیروزی توخالی؛ چیزی بیش نخواهد بود.

رهبران غربی این حقیقت را کشف کرده‌اند که جنگ سوریه چقدر پیچیده است.

دنیای اقتصاد: سیاست‌های دولت علت نابسامانی بازار ارز است

یک روزنامه حامی دولت، سیاست‌های ارزی دولت را موجب نابسامانی اخیر ارزی دانست.

به گزارش رجانیوز، روزنامه دنیای اقتصاد در تحلیلی خاطرنشان کرد: «سیاست ارزی پنج سال اخیر را می‌توان مناسب کشوری دانست که تورمی زیر ۳ درصد دارد نه کشوری که شاخص تورمی‌اش طی این مدت حدود ۲ برابر شده است. این اشتباه سیاستی در سال‌های اخیر به ویژه پس از اجرایی شدن برجام از سوی اقتصاددانان طیف‌های مختلف به کرات تذکر داده شده است؛ اما به دلایل مختلف که ذکر آن در این مجال نمی‌گنجد هیچ وقت اقدامی برای تصحیح آن صورت نگرفت.»

این روزنامه می‌افزاید: «مسئله خیلی پیچیده نیست. صعودی بودن شاخص تورم به مفهوم کاهش ارزش ریال در داخل کشور است و چنانچه از انعکاس این کاهش ارزش در دلار و سایر ارزها جلوگیری شود (یعنی قیمت ارز با اهرم دلارهای نفتی تثبیت شود) یک پدیده دووجهی در اقتصاد ظهور می‌کند: کاهش قدرت خرید ریال در داخل کشور همزمان با عدم کاهش قدرت خرید ریال در خارج از کشور یا در برابر کالاهای خارجی. این سیاست باعث افزایش میل به مصرف کالاهای خارجی (یعنی افزایش واردات و قاچاق)، افزایش میل به خرید خدمات خارجی (سفر و گردشگری خارجی)، افزایش میل به دوزیستی و دوتابعیتی (کسب درآمد به ریال در داخل و تبدیل آن به دلار برای خرج در خارج) و حتی فروش دارایی‌های داخلی و تبدیل آن به دارایی خارجی می‌شود که همه اینها به معنی افزایش تقاضا برای ارز خارجی است؛ روند افزایشی تقاضای ارز سرانجام به نقطه‌ای می‌رسد که سمت عرضه نتواند پاسخگو باشد.»

در ادامه این یادداشت، عدم مهار تورم و همچنین بی‌تفاوتی دولت نسبت به تعدیل تدریجی و متناسب نرخ ارز در سال‌های اخیر زمینه‌ساز جهش دلاری اخیر را به دنبال داشته که علاوه بر ایجاد آشوب روانی در جامعه دو ضربه سن